

## رابطه نوع هویت‌یابی با سطوح سازگاری در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی تهران

نسرین رحمان پور<sup>۱</sup>، اهادی بهرامی<sup>۲</sup>، یوسف کریمی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین هویت‌یابی و سازگاری نوجوانان انجام شده است. نمونه‌ای به حجم ۴۰۰ نفر از بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه ۱۵ - ۱۹ ساله شهر تهران به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی طبقه‌ای انتخاب و پس از استخراج پاسخ آن‌ها به پرسشنامه‌های سنجش هویت بنیون و آدامز و سازگاری سین‌ها و سینگ و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش هم‌بستگی پیرسون معلوم شد، ۲۰/۲۵ درصد از آن‌ها هویت پیشرفته، ۴۲/۷۵ درصد هویت دیررس، ۱۸/۲۵ درصد هویت زودرس و ۱۸/۷۵ درصد بقیه دارای هویت آشفته هستند. ۷۴ درصد دارای سازگاری عاطفی متوسط تا خیلی خوب، ۶۸/۶ درصد دارای سازگاری اجتماعی متوسط تا خیلی خوب و ۵۴/۶ درصد دارای سازگاری تحصیلی متوسط تا خیلی خوب هستند. ضریب هم‌بستگی میان هویت پیشرفته و سازگاری کل ۰/۲۳۸ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ نشان داد که میان هویت پیشرفته با تمام سطوح سازگاری با ۹۹ درصد اطمینان رابطه مثبت و معنادار است. ضریب هم‌بستگی میان هویت آشفته با سازگاری کل، ۰/۴۱۳- در سطح معناداری ۰/۰۰۱ بیانگر رابطه معکوس و معنادار در تمام سطوح سازگاری و با ۹۹ درصد اطمینان است. میان هویت‌های زودرس و دیررس با سازگاری کل رابطه معنادار دیده نشد.

**کلیدواژه‌ها:** هویت‌یابی، سازگاری، دانش‌آموزان دختر دبیرستانی .

پذیرش: ۱۳۸۷/۲۵

دریافت: ۸۹۱۳/۴/۲۱

### مقدمه و بیان مسأله

نوجوانی<sup>۴</sup>، دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است. در این دوره فرد، فضای آشنای کودکی را ترک کرده و داخل مرحله جدیدی می‌شود. این گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر با مسائل مختلفی همراه است که شخص باید هم‌زمان با تغییرات بیولوژیک، شناختی و جسمانی، خود را با انتظارات والدین، گروه همسالان و مدرسه با تناسب بیش‌تری در تغییرات سازگار کند. ورود به این دوره که از نظر درونی با شکل‌گیری تفکر انتزاعی، حافظه عاطفی و بلوغ شروع می‌شود، فصل جدیدی را در زندگی نوجوان رقم می‌زند که در مرکز آن هویت‌یابی قرار دارد. اریکسون<sup>۵</sup>، اولین نظریه‌پرداز روان تحلیل‌گری بود که بر اهمیت شکل‌گیری و حفظ هویت در مراحل زندگی از جمله نوجوانی تأکید کرد (کروگر<sup>۶</sup>

n rahmanpaur@gmail.com

(M.A)!! !!!!!!! ! !!!!!!! ! !!!!!!! ! !!!!!!! !

! !!!!!!! ! !!!!!!! ! !!!!!!! ! !!!!!!! !

! !!!!!!! ! !!!!!!! ! !!!!!!! ! !!!!!!! !

<sup>۱</sup>. Adolescence

<sup>۲</sup>. Identification

<sup>۳</sup>. E. Erickson

<sup>۴</sup>. Kroger

۲۰۰۲ به نقل از هاشمی، ۱۳۸۳). مارسیا (۱۹۶۶) به منظور عملیاتی کردن مفهوم هویت‌یابی، دو بعد اساسی مطرح شده در نظریه اریکسون را تبیین کرد که شامل حضور یا عدم حضور یک دوره بحران ۲ و نیز حضور یا عدم حضور تعهد ۳ با یک مفهوم روشن و استوار از آن می‌باشد. دوره بحران دوره‌ای است که از نوجوان انتظار می‌رود به اکتشاف ۴ بپردازد تا در پی آن به تعهد نسبت به ارزش‌ها و اعتقادات کسب شده دست پیدا کند (بیابانگرد، ۱۳۸۶).

کار اصلی شکل‌گیری هویت ۵ در دبیرستان شروع می‌شود و طی سنین دانشگاه به طور جدی ادامه پیدا می‌کند. برخلاف مرحله به هم ریختگی ساختار (ساختارزدایی) که افراد در اوایل نوجوانی تجربه می‌کنند، دانش‌آموزان دبیرستانی بیش‌تر احتمال دارد تا هویت خود را ساختار مجدد ۶ ببخشند یا بازسازی کنند (مارسیا، ۱۹۹۳)، در حالی که افراد در اوایل نوجوانی مفاهیم کودکانه از خود را در هم می‌شکنند، نوجوانان در سال‌های دبیرستان اغلب برای انسجام یا سازمان‌دهی مجدد احساسی از خود از نظر بدنی، احساسات جنسی، ارزشیابی از توانایی‌ها و نقش‌های جاری یا مورد انتظار خود در تلاش هستند.

مارسیا کامل‌ترین تصویر را از فرایند منظم رشد در طول مرحله تشکیل هویت ارائه داده است. او هویت‌یابی را سازمان دادن یک خود درونی شامل ساخت خود، سیستم باورها، آرزوها، عقاید، مهارت‌ها و تاریخچه جدایی می‌داند. او در حقیقت شکل‌گیری هویت در نوجوانی اریکسون را با جزئیات و دقت بیش‌تری توضیح داد و با ظرافت، الگویی از روی تئوری اریکسون به وجود آورد، ولی اغلب به جای واژه بحران ۷ از اکتشاف ۸ استفاده کرد. متغیرهای اساسی نظریه مارسیا در دو بعد مفهومی اکتشاف و تعهد ۹ تعهد ۹ مورد بررسی قرار گرفته است. وی این دو ملاک را برگزید تا افراد را براساس آن دو در یکی از ۴ حالت هویت قرار دهد. اکتشاف اشاره دارد به پرسشگری فعالانه نوجوان و ارزش دادن به موارد مختلف دیگر هویت. تعهد اشاره دارد به حضور موقعیتی که نوجوان به عقیده محکم و استوار دست پیدا کرده است (لویکس و دیگران، ۲۰۰۵). بر اساس این دو ملاک:

هویت زودرس ۱۰: به حالتی از هویت در جوان گفته می‌شود که فرد بدون این‌که بحران مربوط به این سن را تجربه کرده باشد، تعهد در او شکل گرفته است (مارسیا، ۱۹۶۶).  
هویت دیررس ۱: به حالتی از هویت در جوان گفته می‌شود که فرد بحران مربوط به این سن را تجربه کرده، فعالانه در جستجوی تعهد است، اما هنوز تعهد در او شکل نگرفته است (مارسیا، ۱۹۶۶).

۱. J. E. Marcia

۱. Crisis

۱. Commitment

۱. Explore

۱. Identity formation

۱. Restructuring

۱. Crisis

۱. Exploration

۱. Commitment

!! . Identity of foreclosure

هویت آشفته<sup>۲</sup>: به حالتی از هویت در جوان گفته می‌شود که فرد نه بحران مربوط به این سن را تجربه کرده و نه تلاشی در جهت شکل‌گیری تعهد داشته است (مارسیا، ۱۹۶۶).  
هویت پیشرفته<sup>۳</sup>: به حالتی از هویت در جوان گفته می‌شود که فرد بحران مربوط به این سن را تجربه کرده و پس از یک جستجوی فعالانه تعهد در او شکل گرفته و به احساس هویتی قوی دست پیدا کرده است (مارسیا، ۱۹۶۶).

در آخرین تحقیقات در زمینه حالت‌های مختلف هویت، محققان شکل پنجمی نیز در نظر گرفته‌اند. کروستی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۸ در پژوهشی، عده‌ای متشکل از نوجوانان را کم سن و کسانی که در اواخر نوجوانی بودند، مورد آزمون قرار دادند. آن‌ها پنج حالت هویتی را گزارش کردند که شامل:

۱- هویت موفق

۲- هویت زود شکل گرفته

۳- هویت به تعویق افتاده

۴- هویت در جستجوی تعویق<sup>۵</sup>

۵- هویت آشفته و سرگردان.

این پنج گروه می‌توانند به‌طور معناداری در متغیرهایی مانند خصوصیات شخصی، مشکلات روان‌شناختی و ارتباطات خانوادگی تمیز داده شوند.

گوسنز<sup>۶</sup> (۲۰۰۱)، پیش از آن‌ها حالت پنجم را هویت نیمه شکل گرفته<sup>۷</sup> نام نهاده بود. تحقیقات (لویکس و دیگران، ۲۰۰۵؛ بورن، ۱۹۷۸؛ مرکر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸؛ اشمن<sup>۹</sup> و مونوسویز<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۴، دونوان<sup>۱۲</sup>، ۱۹۷۵) نشان می‌دهد نوجوانان در طول فرایند هویت‌یابی سطوح سازگاری را از خود نشان می‌دهند. لازم به ذکر است که در بیش‌تر تحقیقات تفاوتی بین نوجوانان دختر و پسر مشاهده نشده است. فرد سازگار کسی است که قادر به هدایت خود است، رفتارش تحت کنترل است و در صورت لزوم قادر به تغییر رفتار خود است و در تداوم بهزیستی عاطفی و روانی خود گام بر می‌دارد (واتسون، ۱۹۹۷ به نقل از بنده‌پور، ۱۳۸۷). می‌توان هویت زودرس را وقفه‌ای در فرایند شکل‌گیری هویت

<sup>۱</sup>. Identity of moratorium

<sup>۲</sup>. Identity of diffusion

<sup>۳</sup>. Identity of achievement

<sup>۴</sup>. Crocetti

<sup>۵</sup>. Searching moratorium

<sup>۶</sup>. Goossens

<sup>۷</sup>. Low profile

<sup>۸</sup>. Bourne

<sup>۹</sup>. Mercer

<sup>۱۰</sup>. Oshman

<sup>۱۱</sup>. Monosevitz

<sup>۱۲</sup>. Donovan

دانست. عزت نفس این افراد تا حدود زیادی به تأیید دیگران بستگی دارد و معمولاً برای مراجع قدرت ارزش زیادی قائلند؛ کم‌تر استقلال رأی دارند؛ پای‌بند به ارزش‌های سنتی مذهبی هستند؛ با والدین رابطه نزدیکی دارند و پذیرای ارزش‌های آنان هستند (انصاری، اسکویی، ۱۳۸۰).

جایگاه هویت زودرس با اجتناب از انتخاب مستقل مشخص می‌شود و این افراد از تلاش برای ایجاد خود به عنوان شخص مستقل و خودمختار، اجتناب می‌کنند (اسپیرنت هال ۱ و کولینز ۲ ۱۹۹۵، نقل از ایران‌فر، ۱۳۷۸). کروستی و همکاران (۲۰۰۸) عقیده دارند، پیش‌رس‌ها به‌وسیله تشخیص هم‌نوایی و پایداری به سنت قابل تمایز با دیگر حالات می‌باشند هم‌چنان که نشان داده‌اند که در کسب تجارب جدید پذیرای ایده جدید انعطاف‌پذیر نیستند و نیز نشان داده‌اند زمانی که والدین آن‌ها را به‌طور قوی مورد تشویق قرار می‌دهند، آن‌ها نیز ارزش‌های والدین را می‌پذیرند. حالت هویت پیش‌رس از یک طرف با حالت هویت پیشرفته بر اساس اینکه در نیمرخ شخصیت سنتی قرار می‌گیرد متفاوت است ولی با وجود این تشابهاتی نیز با آن دارد. وجه تشابه حالت پیش‌رس و پیشرفته در بالا بودن نمرات در میزان تطابق و سازگاری با اطرافیان است. و براساس مطالعه‌ای که به‌وسیله اشمن و مونوسویز (۱۹۷۴) به وسیله آزمون MMPI انجام گرفت. این‌گونه مطرح شده است که نتایج روشن نمی‌کند این‌ها در دوره بحران هستند، آن‌چه روشن است پیش‌رس‌ها در ایدئولوژی خود تعهد کسب کرده‌اند و به نظر می‌آید در واپس‌رانی و سرکوبی عواطف خود نمرات بالاتری از دیگر حالت‌ها کسب نموده‌اند. رفتار آنان در طول مصاحبه این‌گونه نشان داد که از هر گونه ناسازگاری به دور بوده‌اند.

هویت دیررس اغلب یک تصمیم‌گیری سنجیده و دردناک است که فرد به خود فرصتی می‌دهد تا از فشارهای جاری مانند مدرسه، دانشگاه و یا اکتساب شغل تا حدی اجتناب کند و هدف این است که فرصتی برای تنفس ایجاد کند تا بتواند به کشف بیشتر جنبه‌های روانی خود و واقعیت عینی بپردازد. بنابراین این تفاوت ظاهری بین هویت دیررس و هویت آشفته ممکن است بسیار ظریف باشد. اما در عمق بین آن‌ها تفاوت اساسی وجود دارد. بنابراین مهلت‌خواهی و تعویق در کسب تعهد، فقط کنار کشیدن ساده نیست بلکه یک دوره فعال جستجو می‌باشد که با هدف آماده شدن برای تعهدات صورت می‌گیرد. پس این دوره، دوره سرگردانی و بی‌هدفی نیست بلکه آماده شدن برای تعهد است و به نظر می‌رسد که فرد را به سوی هویت پیشرفته پیش برد (میوز، ۳، ۱۹۹۶). در پاره‌ای از پژوهش‌ها (کروستی و همکاران، ۲۰۰۸؛ مارسیا، ۱۹۷۵)، نوجوانان گروه دیررس ضمن این‌که نمرات بالایی در پذیرش دیگران و انعطاف‌پذیر بودن دریافت کرده‌اند ولی به لحاظ سازگاری و ارتباط خانوادگی وضعیتی دلسردکننده را به نمایش گذاشته‌اند. واترمن و واترمن ۴ (۱۹۷۲) در مطالعه خود نشان دادند بیش‌ترین تغییرات سازگاری (حدود ۸۰٪) در افراد زیرمجموعه حالت دیررس اتفاق می‌افتد. مطالعات وابسته نشان می‌دهد در تشخیص و تعیین مشکلات سازگاری و میزان تغییرات آن، بیش‌تر مشکلات عاطفی نوجوان مورد توجه بوده است.

---

۱. Sprint, Hall

۱. Collins

۱. Meeus

۱. Waterman

کروستی و همکاران، (۲۰۰۸) نوجوانان با هویت آشفته را به وسیله علایم صفاتی چون ثبات پایین عاطفی، وظیفه‌شناسی کم، حد پایینی از پذیرش دیگران، انعطاف‌پذیر نبودن در تجارب و ارتباطات ضعیف با والدین معرفی می‌کنند. این گروه در اثر فاصله یا طرد حمایت‌کنندگان در محیط خانه ارتباط ناسازگارانه با والدین خود دارند. مطالعات برونسکی<sup>۱</sup> و نی میر<sup>۲</sup> (۱۹۹۴ به نقل از شهرآرای، ۱۳۸۴) نشان داده است این افراد اطمینان اندکی به توانایی شناختی خود داشته، معمولاً قبل از تصمیم‌گیری احساس ترس و اضطراب دارند و به طور معمول از راهبردهای غیرمنطقی نظیر اجتناب کردن، بهانه‌جویی و دلیل‌تراشی استفاده می‌کنند.

افراد گروه پیشرفته از یک دوره اکتشاف گذشته‌اند و دارای تعهدات ثابت و استواری هستند و موجودیت شخصی در آن‌ها به عنوان فردی بی‌مانند شکل گرفته است. استقلال رأی بیش‌تر دارند؛ خلاق‌ترند؛ نظر پیچیده‌تری دارند؛ دارای حداقل میزان اضطراب و قدرت‌طلبی هستند؛ در استفاده از شیوه‌های شناختی به شیوه تعمقی تمایل دارند؛ دارای سطح قضاوت اخلاقی بالاتر و نگرش مستقل هستند. میزان کنترل درونی و عزت نفس در آن‌ها به مراتب بالاتر است و در الگوی تطابق کم‌ترین هم‌نویی را نشان می‌دهند. دارای هوش، تحمل بلاتکلیفی، انگیزه پیشرفت و پیچیدگی‌های شناختی بالاتری هستند؛ توانایی بیش‌تری برای برقراری ارتباط نزدیک دارند؛ هویت جنسی آن‌ها نیز با ثبات‌تر است و به خود با دید مثبت‌تری نگاه می‌کنند؛ حس اخلاقی رشد یافته‌تری دارند و با وجود داشتن روابط مطلوب با خانواده به نحو چشم‌گیری مستقل هستند، در حالی که عقاید و استانداردهای خود را حفظ می‌کنند در پذیرش عقاید جدید نیز پذیرا می‌باشند (اورلوفسکی<sup>۳</sup> ۱۹۷۸، مارسیا و فیشر<sup>۴</sup> ۱۹۷۸ نقل از انصاری، ۱۳۸۰).

هویت موفق به وسیله انعطاف‌پذیری بالا، تفکر زیاد و داشتن نگرش مثبت مشخص می‌شود. براساس گفته مارسیا (۱۹۶۴)، به نقل از اشمن (۱۹۷۴)، این افراد از مرحله تصمیم‌گیری و بحران آن عبور کرده‌اند و به کسب تعهد هم در هویت خود و هم در شغل نائل شده‌اند و در آزمون MMPI نیز نمره نرمال گرفته‌اند. کروس<sup>۵</sup> و آلن<sup>۶</sup> (۱۹۷۰) در ارتباط با سازگاری تحصیلی گزارش دادند، دانشجویان با هویت پیشرفته بیش‌ترین سازگاری را در کالج نشان می‌دهند. در بین زنان در هر دو حالت زودرس و پیشرفته سازگاری سطح بالا مشاهده شده است. در رابطه با سازگاری نوجوانان در محیط خانواده کروستی و همکاران (۲۰۰۸) گزارش می‌دهند که هویت موفق بیش‌ترین سازگاری را در خانواده نشان داده است و هم‌چنین حالت هویت پیش‌رس گرچه از لحاظ نوع شخصیت سنتی با هویت موفق تفاوت دارد ولی به لحاظ کسب نمره بالا در سطوح سازگاری با دیگران به خصوص با خانواده با هویت موفق مشابه می‌باشد.

---

<sup>۱</sup>. Berzonsky

<sup>۲</sup>. Niemeyer

<sup>۳</sup>. Orloffsky

<sup>۴</sup>. Fisher

<sup>۵</sup>. Cross

<sup>۶</sup>. Allen

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این سؤال است: آیا بین نوع هویت‌یابی نوجوانان دختر دبیرستانی و سطوح سازگاری آن‌ها ارتباطی وجود دارد؟

### روش تحقیق

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش  
به منظور پاسخ به سؤال فوق، پژوهشگر نمونه‌ای متشکل از ۴۰۰ دانش‌آموز دختر دبیرستانی را مورد آزمون قرار داد. جامعه آماری کلیه دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله تهرانی را تشکیل می‌داد که در سال تحصیلی (۱۳۷۸-۱۳۸۸) در مقطع متوسطه مشغول به تحصیل بودند. جمعیت نمونه مورد پژوهش از دبیرستان‌های پنج نقطه شهر (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای - مرحله‌ای<sup>۱</sup>، به‌عنوان نمونه مورد پژوهش تعیین شدند. از مجموع هفت دبیرستان شرکت‌کننده در آزمون تعداد ۴۳۷ دانش‌آموز هر دو مقیاس سنجش حالات هویت و مقیاس سازگاری را تکمیل کردند. لازم به ذکر است نخست از ۳۳ دانش‌آموز از هر سه مقطع به‌طور آزمایشی<sup>۲</sup> و به منظور محاسبه پایایی مقیاس‌ها آزمون به عمل آمد و پس از محاسبات لازم، هر دو مقیاس در گروه ۴۰۰ نفری که به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند، به اجرا درآمد. داده‌های به‌دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### ابزار سنجش

#### پرسشنامه سنجش هویت بنیون و آدامز، (OMEIS)<sup>۳</sup>

این مقیاس افراد را در چهار حالت هویتی (هویت زودرس، دیررس، آشفته و پیشرفته) طبقه‌بندی می‌کند و به‌وسیله بنیون<sup>۴</sup> و آدامز<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) تهیه و نسخه آخرین ویرایش آن به‌وسیله محقق ترجمه و اعتباریابی شده است. پرسشنامه شامل ۶۴ ماده است که هر ۱۶ ماده متعلق به یک خرده مقیاس و نیز هر خرده مقیاس در دو بعد ایدئولوژیک و روابط میان فردی آزمون شونده را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هر ماده براساس مقیاس شش درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری شده و اکتساب نمره نقطه برش و بالاتر فرد را در آن طبقه که نسبت به نقطه برش بالاترین نمره مکتسبه باشد، قرار خواهد داد. نقاط برش برای هویت زودرس و آشفته نمره ۵۳، برای هویت دیررس ۶۳ و برای هویت پیشرفته ۷۳ در نظر گرفته شده است.

آدامز، شی<sup>۶</sup> و فیتچ<sup>۷</sup> (۱۹۷۹) با استفاده از نمونه‌ای از دانشجویان کالج روایی و پایایی آزمون را در در حد قابل قبولی گزارش کردند.

<sup>۱</sup>. Multi stage stratified cluster sampling

<sup>۲</sup>. Pilot study

<sup>۳</sup>. Objective measure of ego identity status

<sup>۴</sup>. Bennion

<sup>۵</sup>. Adams

<sup>۶</sup>. Shea

<sup>۷</sup>. Fitch

لازم به ذکر است که تعدادی از مواد پرسشنامه به دلیل این که سطح ارتباط با غیر هم جنس را ارزیابی می کرد و در فرهنگ ایرانی، این امر معادل ازدواج قلمداد می شود، در این صورت به منظور بومی سازی به جای واژه dating، واژه ازدواج جایگزین شد. در بررسی که پیش از این به وسیله محققان در ایران انجام شد، در مورد ۸ ماده تجدید نظر یافته (۷-۱۵-۲۳-۳۱-۳۹-۴۷-۵۵-۵۶)، ضریب توافق ۹۴/۰۴ درصد حاصل شده است. در پژوهش حاضر نیز، صاحب نظران و کارشناسان رشد در مواد تجدید نظر شده، توافق ۹۳/۷۵ درصد را به تفکیک زیر کسب کردند: در ماده شماره ۷ و ۳۱ با ۸۰ درصد توافق، ماده ۲۳ با ۹۰ درصد توافق و پنج ماده دیگر با ۱۰۰ درصد توافق به تأیید رسید. ضریب آلفای کرونباخ<sup>۲</sup> در نمونه ۱۰۶ نفری از دانشجویان کالج تبه وسیله بنیون و آدامز (۱۹۹۸) از ۰/۵۸ تا ۰/۸۰ گزارش شد. در پژوهش حاضر دامنه آلفای کرونباخ از ۰/۶۰ تا ۰/۸۷ به دست آمد.

### پرسشنامه سازگاری دانش آموزان دبیرستانی<sup>۳</sup> (AISS)

این پرسشنامه در سال ۱۹۹۳ به وسیله سینها<sup>۴</sup> و سینگ<sup>۵</sup> تهیه و به وسیله کرمی (۱۳۷۷) ترجمه شد. هدف آن است که سطوح سازگاری دانش آموزان دبیرستانی (گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ ساله) در سه حوزه سازگاری (عاطفی، اجتماعی و آموزشی) سنجش شود. پرسشنامه شامل ۶۰ سؤال است که با پیش بینی پاسخ "بله" یا "خیر" تدوین شده است. ۲۰ سؤال مربوط به حوزه عاطفی، ۲۰ سؤال مربوط به حوزه اجتماعی و ۲۰ سؤال مربوط به حوزه آموزشی است. به پاسخ هایی که نشانگر سازگاری است، نمره یک داده می شود و در غیر این صورت صفر منظور می شود. روایی این پرسشنامه از طریق تعیین هم بستگی با فرم موازی (پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا) برابر ۰/۷۳ به وسیله نوری (۱۳۸۰) به نقل از بنده پور، (۱۳۸۵) گزارش شد. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۲ به دست آمد.

### یافته ها

یافته های حاصل از اجرای پرسشنامه سنجش هویت (همان طور که جدول ۱ نشان می دهد) بیانگر این واقعیت است که ۱۸/۷۵ درصد از دانش آموزان دختر دبیرستان های تهران در حالت هویت آشفته به سر می برند و ۱۸/۲۵ درصد از آن ها در طبقه هویت پیش رس قرار دارند. هم چنین ۴۲/۷۵ درصد متعلق به گروه هویتی معوق یا دیررس می باشند و نیز ۲۰/۲۵ درصد از قشر دانش آموز دبیرستانی در طبقه هویت موفق یا پیشرفته قرار دارند.

گروه هویتی در حالت تعویق بیش ترین رقم از دختران نوجوان در دوره متوسطه را تشکیل می دهند. رقم بعد از آن مربوط به آن هایی است که موفق به کسب هویت پیشرفته شده اند. نزدیک به

<sup>۱</sup>. Dating

<sup>۲</sup>. Cronbach alpha

<sup>۳</sup>. Adjustment Inventory for high School Students (AISS)

<sup>۴</sup>. Sinha

<sup>۵</sup>. Singh

یک پنجم نوجوانان در طبقه هویتی آشفته و باز نزدیک به همین تعداد نیز در طبقه متعلق به پیش‌رس‌ها جای گرفته‌اند.

جدول ۱: وضعیت هویت‌یابی جمعیت نمونه پژوهش

شاخص‌ها انواع هویت	جمعیت نمونه	درصد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
هویت آشفته	۴۰۰	۱۸/۷۵	۴۶/۹۹	۱۰/۵۳	۲۰	۸۰
هویت زودرس	۴۰۰	۱۸/۲۵	۴۴/۴۰	۱۳/۳۲	۱۶	۸۶
هویت دیررس	۴۰۰	۴۲/۷۵	۶۴/۱۹	۹/۱۵	۳۲	۸۹
هویت پیشرفته	۴۰۰	۲۰/۲۵	۶۷/۳۴	۱۰/۴۱	۳۵	۹۲

جدول ۲: سطوح سازگاری جمعیت نمونه بر حسب طبقات سه حیطة

سطوح سازگاری	حیطه عاطفی	حیطه اجتماعی	حیطه تحصیلی
سازگاری خیلی خوب	٪۱۸	٪۸/۸	٪۹
سازگاری خوب	٪۳۷	٪۳۵/۳	٪۱۷/۳
سازگاری متوسط	٪۱۹	٪۲۴/۵	٪۲۸/۳
سازگاری ضعیف	٪۱۸/۸	٪۲۱	٪۲۷/۵
سازگاری خیلی ضعیف	٪۷/۳	٪۱۰/۵	٪۱۸

جدول ۳: سطوح سازگاری جمعیت نمونه پژوهش بر حسب شاخص‌های آماری

شاخص‌ها سطوح سازگاری	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سازگاری عاطفی	۴۰۰	۱۴/۵۰	۳/۲۲	۴	۲۰
سازگاری اجتماعی	۴۰۰	۱۳/۶۸	۳/۰۶	۵	۲۰
سازگاری تحصیلی	۴۰۰	۱۲/۵۳	۳/۹۰	۰	۲۰

اطلاعات به دست آمده از جداول ۲ و ۳ نشان می‌دهد، دانش‌آموزان جمعیت نمونه پژوهش در حیطه سازگاری عاطفی نمرات بالاتری نسبت به دو حیطه دیگر کسب کرده و در این حوزه بیش‌ترین سطح سازگاری را نشان داده‌اند. کم‌ترین میزان سازگاری نیز در حیطه تحصیلی دیده شد. در نگاهی کلی دختران نوجوان با قرار گرفتن در سطح مطلوب سازگاری عاطفی و اجتماعی در وضعیت امیدوارکننده‌ای قرار دارند، اما به لحاظ تحصیلی قرار گرفتن در سطح متوسط متمایل به پایین



ارضاکننده نیست. گروه نمونه در هر سه سطح عاطفی (۱۴/۵۰)، اجتماعی (۱۳/۶۸) و تحصیلی (۱۲/۵۳) نمرات نزدیک به میانگین کسب کرده‌اند.

جدول ۴: رابطه هویت آشفته و سطوح سازگاری

تعداد (n)	معناداری (p)	هم‌بستگی (r)	سطوح سازگاری/هویت آشفته
۴۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۸	سازگاری عاطفی
۴۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۲۲	سازگاری اجتماعی
۴۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۵۲	سازگاری تحصیلی
۴۰۰	۰/۰۰۰	-۰/۴۱۳	سازگاری کل

جدول ۵: رابطه هویت پیشرفته و سطوح سازگاری

تعداد (n)	معناداری (p)	هم‌بستگی (r)	سطوح سازگاری/هویت پیشرفته
۴۰۰	۰/۰۱۶	۰/۱۲۰	سازگاری عاطفی
۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۹۷	سازگاری اجتماعی
۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۴۵	سازگاری تحصیلی
۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۳۸	سازگاری کل

جدول ۶: رابطه هویت زودرس و سطوح سازگاری

تعداد (n)	معناداری (p)	هم‌بستگی (r)	سطوح سازگاری/هویت زودرس
۴۰۰	۰/۶۴۲	-۰/۰۲۳	سازگاری عاطفی
۴۰۰	۰/۱۰۷	-۰/۰۸۱	سازگاری اجتماعی
۴۰۰	۰/۰۲۷	۰/۱۱۱	سازگاری تحصیلی
۴۰۰	۰/۷۸۹	۰/۰۱۳	سازگاری کل

جدول ۷: رابطه هویت دیررس و سطوح سازگاری

تعداد (n)	معناداری (p)	هم‌بستگی (r)	سطوح
-----------	--------------	--------------	------

سازگاری/ هویت دیررس			
۴۰۰	۰/۰۰۲	-۰/۱۵۲	سازگاری عاطفی
۴۰۰	۰/۶۱۱	۰/۰۲۶	سازگاری اجتماعی
۴۰۰	۰/۴۷۴	-۰/۰۳۶	سازگاری تحصیلی
۴۰۰	۰/۱۸۰	-۰/۰۶۷	سازگاری کل

یافته‌های مندرج در جداول ۴ و ۵ نشان از آن است که میان هویت آشفته و سازگاری در تمام سطوح اعم از عاطفی، اجتماعی و تحصیلی رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. هم‌چنین میان هویت پیشرفته و سازگاری در تمام سطوح اعم از عاطفی، اجتماعی و تحصیلی رابطه مثبت و معنادار حاکم است.

اطلاعات به‌دست آمده در جداول ۶ و ۷ نشان می‌دهد میان هویت زودرس و سازگاری تحصیلی رابطه مثبت و معنادار است، اما در دو سطح عاطفی و اجتماعی گرچه رابطه منفی به‌دست آمده ولی معنادار نیست. در مورد رابطه میان هویت دیررس و سازگاری ارقام به‌دست آمده نشان از آن است که گرچه هم‌بستگی کمی میان هویت دیررس و سازگاری عاطفی حاکم است، رابطه میان این دو متغیر معکوس و معنادار است ولی میان هویت دیررس و دو سطح دیگر سازگاری رابطه معنادار اعم از مثبت یا منفی وجود ندارد.

### یافته‌ها

پژوهش حاضر به منظور یافتن پاسخ به این پرسش انجام شد که آیا بین هویت‌یابی نوجوانان و سازگاری آن‌ها رابطه وجود دارد؟ هم‌چنین در کدام‌یک از حالت‌های هویت<sup>۱</sup>، نوجوانان بیش‌ترین سازگاری و در کدام حالت کم‌ترین سازگاری را نشان می‌دهند؟

بررسی پژوهش‌های انجام شده در زمینه هویت‌یابی نوجوانان در کشورهای اروپایی و امریکایی (آدامز، ۱۹۶۸، به نقل از انصاری، ۱۳۸۰) نشان می‌دهد که به‌طور معمول نوجوانان در این جوامع در سن ورود به دانشگاه بیش‌تر در حالت هویتی دیررس و یا آشفته هستند و سن دستیابی به هویت موفق در اواخر دوره تحصیلات دانشگاهی است. این فرضیه تأیید شده است (بیابانگرد، ۱۳۸۶) که آن دسته از نوجوانانی که تصمیم به ادامه تحصیل می‌گیرند و وارد آموزش عالی می‌شوند در کسب هویت موفق و تثبیت هویت خود با وفقه زمانی مواجه می‌شوند.

در پژوهش حاضر گرچه سن مورد مطالعه پایین‌تر از سنین بررسی شده در پژوهش‌های پیشین بوده، اما یافته‌ها متفاوت از نتایج به‌دست آمده در جوامع غربی نیست. این پژوهش نشان می‌دهد بالاترین درصد به‌دست آمده (۴۲/۷۵٪) متعلق به هویت دیررس است و رقم بعدی را هویت پیشرفته (۲۰/۲۵٪) به خود اختصاص داده است و این به آن معناست که اکنون ۲۰/۲۵ درصد از دانش‌آموزان

<sup>۱</sup>. identity statuses

دختر دبیرستانی تهران از بحران هویت‌یابی به سلامت عبور کرده و به کسب تعهد و تثبیت هویت رسیده‌اند. هم‌چنین ۴۲/۷۵ درصد دیگر از آن‌ها هم‌چنان در مرحله کاوشگری و اکتشاف به‌سر می‌برند و در واقع حالت معوق دارند. در این پژوهش معلوم شد، ۱۸/۲۵ درصد از دانش‌آموزان دختر تهرانی در وضعیت هویتی زودرس قرار دارند و بالاخره ۱۸/۷۵ درصد بقیه در حالت هویتی آشفته به‌سر می‌برند. پیش از این لطف‌آبادی در مطالعه‌ای (۱۳۸۳) که بر روی نمونه‌ای ۴۸۰۰ نفری از دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی دختر و پسر در سطح کل کشور انجام داد، به نتایجی متفاوت دست پیدا کرده بود. وی اعلام کرد ۳۳ درصد از نوجوانان و جوانان ایرانی به مرحله پیشرفته و دستیابی به هویت اجتماعی و مدنی رسیده‌اند و ۲۵ درصد در هویت تعلیق، ۲۵ درصد در طبقه زودرس‌ها و ۱۷ درصد نیز در حالت هویتی آشفته قرار دارند. در سال ۱۹۷۷ اورلوفسکی و همکارانش در پژوهشی که بر روی ۱۱۱ دانشجوی مرد و زن کالج انجام دادند، به‌طور مشخصی اعلام کردند که افراد با هویت پیشرفته و معوق نمرات بالاتری را نسبت به دو گروه دیگر (زودرس‌ها و معشوش‌ها) کسب کرده‌اند.

اشمن (۱۹۷۴) نیز در پژوهشی حالت معوق را در بالاترین سطح در دو جنس پیدا کرد. هم‌چنین عبادی در یک تحقیق دولتی که در سال ۱۳۸۲ در خوزستان انجام داد، دو حالت هویتی معوق و موفق را در دختران بیش از پسران یافت. دانش‌پور و همکاران وی نیز در سال ۱۳۸۶ نتیجه مشابه با پژوهش حاضر را به‌دست آوردند. شاید بتوان متفاوت بودن پژوهش لطف‌آبادی (۱۳۸۳) را با دیگر پژوهش‌ها از جمله پژوهش حاضر که محدود به نوجوانان دختر یک شهر بوده است، این‌گونه تبیین کرد که جامعه مورد پژوهش وی بسیار گسترده‌تر و در سطح کشور بوده است که نتایج به دلیل تفاوت خرده فرهنگ‌های موجود در جامعه و موارد شبیه به آن متفاوت از نتایج این مطالعه به‌دست آمده است.

در بررسی نتایج به‌دست آمده از اجرای پرسشنامه سازگاری می‌توان گفت با توجه به این‌که پرسشنامه مذکور دانش‌آموزان را در پنج سطح سازگاری خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف طبقه‌بندی می‌کرد، براساس ضرایب به‌دست آمده می‌توان اغلب دانش‌آموزان مورد پژوهش را در سطوح سازگاری متوسط تا خیلی خوب قرار داد البته این نتیجه‌گیری در رابطه با سازگاری تحصیلی کم‌تر صدق می‌کند. دانش‌آموزان دوره متوسطه گرچه به لحاظ عاطفی و اجتماعی حد مطلوبی را به خود اختصاص دادند، اما به لحاظ تحصیلی کم‌ترین نمره را در سطح خیلی خوب و نیز نمره قابل ملاحظه‌ای در سطح خیلی ضعیف به خود اختصاص دادند. بعلاوه نتایج این پژوهش بیانگر این مطلب بود که دانش‌آموزان در مقطع متوسطه بیش‌ترین سازگاری را در سطح عاطفی بروز داده‌اند و این یافته با دلیل حضور صددرصدی دختران در این مطالعه قابل تبیین است. و نکته مورد توجه دیگر این‌که گروه آزمودنی در هر سه سطح عاطفی (۱۴/۵۰)، اجتماعی (۱۳/۶۸) و تحصیلی (۱۲/۵۳) نمرات نزدیک به میانگین کسب کرده‌اند و با توجه به نمرات نرم آزمون در سطح مطلوب قرار دارند. نتیجه این پژوهش با مطالعه بنده‌پور (۱۳۸۷) که سطوح سازگاری دانش‌آموزان یک منطقه از تهران را اندازه‌گیری کرد، متفاوت است. وی اعلام کرد دانش‌آموزان منطقه ۲ تهران در سازگاری بجز تعداد اندکی در سطح خیلی خوب قرار نگرفتند و به‌طور کلی در ابعاد سه‌گانه اجتماعی، عاطفی و آموزشی نمرات پایین‌تری در مقایسه با پژوهش حاضر کسب کردند. دلیل یافته‌های متفاوت پژوهش بنده‌پور و مطالعه حاضر را علی‌رغم فاصله زمانی اندک شاید بتوان این‌گونه تبیین کرد که مطالعه وی محدود به یک ناحیه آموزش

و پرورش بوده است؛ از این رو در مقیاس وسیع‌تر مانند کل شهر تهران نتایج می‌تواند متفاوت برآورد شود.

در نگاهی کلی به یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌توان گفت: میان هویت موفق یا پیشرفته در تمام سطوح سازگاری اعم از عاطفی، اجتماعی و تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته در سطح معناداری ۰/۰۰۱ نشان می‌دهد نوجوانانی که به کسب هویت موفق نائل شده‌اند یا به بیان دیگر هویت خود را شکل داده‌اند و به ایده‌ها، باورها و اعتقادات خود پای‌بند یا متعهد هستند، از هر نظر با خود و اطرافیان به سازگاری رسیده‌اند و رفتاری توأم با کنترل دارند و این نتیجه به احتمال ۹۹ درصد قابل تعمیم به کل جامعه مورد پژوهش می‌باشد. اغلب تحقیقات (لطف‌آبادی، ۱۳۸۳؛ اشمن، ۱۹۷۴؛ اورلوفسکی، ۱۹۷۸؛ الیسون، ۲۰۰۱؛ آدامز و همکاران، ۲۰۰۶؛ کروستی و همکاران، ۲۰۰۸) یافته‌های حاضر را مورد تأیید قرار می‌دهند.

در مقابل، هم‌بستگی میان هویت آشفته یا مغشوش در تمام سطوح سازگاری اعم از عاطفی، اجتماعی و تحصیلی رابطه معکوس و معنادار است. این یافته در سطح معناداری ۰/۰۰۱ نمایانگر این واقعیت است که نوجوانان با هویت آشفته در تمام سطوح سازگاری با مشکل مواجه هستند و این نتیجه نیز به احتمال ۹۹ درصد قابل تعمیم به کل جامعه مورد پژوهش می‌باشد. این نوجوانان در آزمون‌های سازگاری نمرات پایین‌تر از نرم می‌گیرند. بیش‌تر مطالعات (اشمن، ۱۹۷۴؛ مارسیا، ۱۹۷۶-۱۹۶۶؛ لویکس و دیگران، ۲۰۰۵؛ کروستی و همکاران، ۲۰۰۸) نتایج مشابهی گزارش کرده‌اند.

هر کدام از دو حالت هویتی دیگر، یعنی هویت زودرس یا پیش‌رس و هویت دیررس یا معوق در یک سطح از سازگاری هم‌بستگی نشان دادند و در دو سطح دیگر رابطه معنادار دیده نشد. هویت زودرس با سازگاری تحصیلی رابطه مثبت و معنادار داشت ولی در حیطه سازگاری عاطفی و اجتماعی هم‌بستگی معنادار نبود. این نتیجه را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که نوجوانان با هویت پیش‌رس با احتمال ۹۵ درصد در محیط آموزشی سازگاری مطلوب نشان می‌دهند، اما معلوم نیست که به لحاظ اجتماعی و عاطفی جزء افراد سازگار محسوب شوند. این نتیجه به احتمال ۹۵ درصد در دیگر افراد جامعه قابل تشخیص است. تحقیقات پیشین (اشمن، ۱۹۷۴؛ دونوان، ۱۹۷۵؛ کروستی و همکاران، ۲۰۰۸) نیز یافته‌های این پژوهش را مورد تأیید قرار می‌دهند.

در حالت هویتی دیررس یا معوق نیز در یک حیطه و با سازگاری عاطفی، هم‌بستگی معکوس و معنادار به‌دست آمد و در دو حیطه اجتماعی و تحصیلی رابطه هم‌بستگی معنادار دیده نشد. بنابراین می‌توان نتیجه را این‌گونه تبیین کرد که نوجوانان با هویت معوق در زمینه عاطفی با مشکلات سازگاری روبه‌رو هستند و به احتمال ۹۵ درصد این نتیجه در کل جامعه مورد پژوهش می‌تواند صادق باشد، اما آن‌ها در دو زمینه دیگر اجتماعی و تحصیلی به‌طور الزام با مشکل سازگاری مواجه نخواهند شد. اورلوفسکی و همکاران، (۱۹۷۳) اشمن (۱۹۷۴) مارسیا (۱۹۷۶)، کروگر و گرین (۱۹۹۶)، کروستی و همکاران (۲۰۰۸) نیز در تحقیقات خود به نتایج مشابهی دست پیدا کردند.

---

1. Allison

1. Crocetti,

1. Green

کروستی و همکاران (۲۰۰۸) در تازه‌ترین مطالعه خود اعلام کردند که در هویت معوق یا حالت دپرس، ضمن این‌که نوجوانان نمرات بالایی در پذیرش دیگران و انعطاف‌پذیر بودن دریافت کرده‌اند ولی به لحاظ سازگاری و ارتباط خانوادگی وضعیتی دلسردکننده را به نمایش گذاشته‌اند. در یک مطالعه طولی که به‌وسیله میوز (۱۹۹۶) انجام شد، فرضیه اولیه این بود که هرچه نوجوان بزرگ‌تر می‌شود، حالت هویت او از معشوش به پیش‌رس و از پیش‌رس به هویت معوق و از معوق به پیشرفته جایگزین می‌شود. در مطالعه میوز نشان داده شد که در سه حالت هویت در صورتی که شرایط مساعد برای نوجوانان فراهم شود که احساس بهزیستی<sup>۱</sup> را تجربه کنند، به سوی تعهد و کسب هویت موفق پیش می‌روند. در واقع تغییر حالت‌های هویت به سوی هویت موفق بسته به اندازه احساس رفاه یا بهزیستی در زندگی نوجوان دارد.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز روبه‌رو بود. از جمله محدودیت‌هایی که در اختیار محقق بود می‌توان به دو محدودیت سنی و جنسیتی اشاره کرد و این‌که پژوهش فقط در مورد دختران انجام شد، از این رو امکان مقایسه در دو جنس حاصل نشد و نتایج قابل تعمیم به کل نوجوانان تهرانی نخواهد بود. از دیگر موارد قابل ذکر می‌توان محدودیت جامعه مورد پژوهش به شهر تهران را ذکر کرد که به همین دلیل نیز نتایج قابل تعمیم به دیگر نقاط نیست.

هم‌چنین از نداشتن اختیار کافی برای انتخاب آزمون‌شوندگان در محیط دبیرستان می‌توان به‌عنوان محدودیت خارج از اختیار محقق نام برد.

از آن‌جا که یافته‌های این پژوهش گامی کوچک در جهت شناخت و در نتیجه ارتباط مؤثرتر نوجوانان و عوامل فرهنگی- آموزشی می‌باشد، اجرای پرسشنامه‌های سنجش هویت و سازگاری به‌طور مجزا یا با هم، براساس احساس ضرورت و در اختیار قرار دادن نتایج به مسؤلان مرکز مربوطه و هم‌چنین والدین دانش‌آموزان به‌عنوان پیشنهاد کاربردی ارائه می‌شود.

به‌عنوان پیشنهادات پژوهشی، با توجه به محدودیت جنسیتی اشاره شده در این مطالعه و هم‌چنین نتایج به‌دست آمده از وضعیت هویت‌یابی و نیز میزان سازگاری پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مقایسه‌ای در سطح دانش‌آموزان دبیرستانی هر دو جنس در تهران و یا در سطحی گسترده‌تر، میان جوامع روستایی و شهری اجرا شود. هم‌چنین با توجه به تغییر حالت‌های هویت پیشنهاد می‌شود جامعه مورد پژوهش در یک مطالعه تعقیبی در آینده مورد آزمون مجدد قرار گیرد و یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود.

## منابع

انصاری، زهرا، نسرین اسکویی (۱۳۸۰) هویت. دفتر امور زنان. تهران: مرکز فرهنگی و انتشاراتی ایتا.

---

<sup>۱</sup>. Well-being

بنده پور، اکرم (۱۳۸۷) بررسی اثربخشی آموزش‌های خودگویی‌های مثبت بر افزایش سازگاری اجتماعی، تحصیلی، عاطفی در دختران دانش آموز اول دبیرستان آموزش و پرورش منطقه ۲ شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۶) روانشناسی نوجوان. چاپ یازدهم تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دانشورپور، زهره و همکاران (۱۳۸۶) "تفاوت‌های جنسیتی در صمیمیت اجتماعی: نقش سبک‌های هویت. مقاله"، *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۴.

سینه‌ها، سینگ (۱۹۹۳) پرسشنامه سازگاری برای دانش آموزان دبیرستانی، ترجمه ابوالفضل کرمی، ۱۳۷۷.

شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۴) *روانشناسی رشد نوجوان: دیدگاه تحولی*. تهران: انتشارات علم.

عبادی، غلامحسین و مرتضی امیدیان (۱۳۸۲). بررسی وضعیت هویت یابی در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی و رابطه آن با سلامت روان در دانش آموزان دختر پیش دانشگاهی استان خوزستان. (دولتی). لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۳) "سنجش رابطه هویت دینی و ملی دانش آموزان نوجوان ایران با نگرش آنان به جهانی شدن"، *نشریه حوزه و دانشگاه*، سال دهم، شماره ۴۰.

هاشمی، لادن (۱۳۸۳) "بررسی تحولی ابعاد وضعیت هویت نوجوانان و جوانان ۱۲-۲۴ سال ایرانی از دیدگاه مارسیا"، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه شیراز*.

Adams, G. R., Shea, J. and Fitch, S. A. (۱۹۷۹) "Toward the development of an objective assessment of ego-identity status", *Journal of Youth and Adolescence*, ۸, pp: ۲۲۳-۲۳۷, Identity Statuses ۶۹۷.

Adams R. Gerald, Michael D. Berzonsky, and Leo Keating (۲۰۰۶) "Psychosocial resources in first-year university students: The role of identity processes and social relationships", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. ۳۵, No. ۱, February ۲۰۰۶, pp: ۸۱-۹۱ (C\_ ۲۰۰۶)

Adams, G. R., Bennion, L. and Huh, K. (۱۹۹۸) Objective measure of ego-identity status: A reference manual (۲nd edn.). Unpublished Manuscript, Laboratory for Research on Adolescence, Utah State University, Logan, UT.

Allison, N. Barbara (۲۰۰۱) *Interpersonal identity formation during early adolescence*. Adolescence.

Bourne, Edmund I. (۱۹۷۸) "The state of research on ego identity: A review and Appraisal", Part I. *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. ۷, No. ۳, ۱۹۷۸

Crocetti, Elisabetta, Monica Rubini, Koen Luyckx, Wim Meeus (۲۰۰۸) "Identity formation in early and middle adolescents from various ethnic

groups: From three dimensions to five statuses", *Youth Adolescence*, Vol. 37, pp: 983-996

Cross, H., and Allen, J. (1970) "Ego identity status, adjustment and academic achievement", *J. Consult. Clin. Psychol.* 34: 288.

Donovant, M. James (1975) "Identity status and interpersonal style", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 4, No. 1, 1975.

Goossens, L. (2001) "Global versus domain-specific statuses in identity research: A comparison of two self-report measures", *Journal of Youth and Adolescence*, 24, pp: 681-699.

-Kroger J and K E. Green (1996) "Events associated with identity status change", *Journal of Adolescence*, Vol. 19, pp: 477-490.

Luyckx, Koen, Luc Goossens, Bart Soenens, Wim Beyers, and Maarten Vansteenkiste (2005) "Identity statuses based on 4 rather than 2 identity dimensions: Extending and refining Marcia's Paradigm", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 34, No. 6, December 2005, pp: 605-618.

Marcia, J. E. (1966) "Development and validation of ego identity status", *Journal of Personality and Social Psychology*.

Marcia, E. James. (1976) "Identity six years after: A follow-up study", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 5, No. 2, 1976.

Marcia, J. E. (1993) "The status of the statuses", Research Review In Marcia, J. E., Waterman, A. S., Matteson, D. R., Archer, S. L., and Orlofsky, J. L. (eds.), *Identity: A Handbook for Psychosocial Research*. Springer-Verlag, New York, pp: 22-41.

Meeus, Wim. (1996) "Studies on identity development in adolescence: An overview of research and some New Data", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 25, No. 5, 1996

Mercer, H. Sterett, Melissa E. Derosier (2008) "Teacher preference, peer rejection, and student aggression: A prospective study of transactional influence and independent contributions to emotional adjustment and grades", *Journal of School Psychology* 46 (2008) pp: 661-688.

Orlofsky, J L., Marsia, J. E., and Lesser, I. M. (1973) "Ego identity status and the intimacy vs". *Isolation Crisis of Young Adulthood. J. Personal. Soc. Psychol.* Vol. 27, pp: 211-219.

Orlofsky L. Jacob (۱۹۷۷) Sex-role orientation, identity formation, and self-esteem in college men and women, *Sex Roles*, Vol ۳, No. ۶, ۱۹۷۷.

Orlofsky L. Jacob. (۱۹۷۸) " Identity formation, achievement, and Fear of Success in College Men and Women", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. ۷, No. ۱, ۱۹۷۸.

Oshman Harvey and Martin Manosevitz (۱۹۷۴) " The impact of the identity crisis on the adjustment of late adolescent males", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol ۳, No. ۳.

Waterman K. Caroline and Alan S. Waterman (۱۹۷۵) " Fathers and sons: A study of ego identity across two generations", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. ۴, No. ۴, ۱۹۷۵.

